

در هزار توی سیاهی‌ها

انار و سیاه

به یاد دارم در جای خوانده بودم اساس یک داستان چینی - پلیسی بر ناآگاهی تماشاگر استوار است. چینی برخلاف مردم که متکی بر آگاهی و علم و تفکر پیش می‌رود در یک داستان چینی - پلیسی آگاهی می‌تواند کل جلالت و قدرت اثر را از بین ببرد. فیلم پلیسی برای مخاطب حکم یک جزای فکری را دارد برای غیر قابل پیش بینی که همیشه او را به چالش می‌کشد. کار آگاه یا پلیس در حین فیلم با چالش‌ها و گام‌ها و سارق در حین صحنه‌های بازی می‌شود و گریه می‌آورد می‌کشد که سینه مخاطبی که شاهد بازی آن حالت حس و کنایه‌های برای بی‌روشن به حقیقت است. بخشی که با ناآگاهی تماشاگر یا همان کارگردان طوری طراحی می‌شود که تا آنجا به فکر و ذهن مخاطب خنجر کند و این نکته است که فیلم‌ها یا صحنه‌ها همیشه یک قدم از ما (مخاطب) و عقب هر داستان چینی است. اصل جلالت یک داستان پلیسی معمولی بر همین مبنا استوار است. لحنی که باعث کارگردان برای مخاطب باز شود یا با فتنه‌های فیلم را از آنجا که قانون شماره یک که همان اصل غافلگیری است نص شده است. زبان یک فیلم خوب معمولی باید با یک غافلگیری اساسی همراه باشد چیزی که به ذهن مخاطب هم نمی‌رسد است. پیش‌بینی‌های هر مستنداتی داستان از آنجا که قطعی زانر چینی - پلیسی به حساب می‌آید طرح یک معمای انسان یا بشر از آن از پیش حل شده به هیچ وجه قابل تخمین نیست. قدرت یک داستان پلیسی قبل از روایتی به عناصر کلی داستان متکی بر نحوه پیش آن حالت پس و پیش دادن یک سرنخ کوچک می‌تواند به نوعی کل فضا متحرک شود. زانر چینی - پلیسی به شکل راسخ و حتی شاید بتوان گفت فرزند خاک ارباب - مردان - پلیسی است. ادبیاتی که روح شکرایی خود را در قرن نوزدهم تجربه کرد. اقتضای مردم برای خواندن داستان‌های معمولی - پلیسی به نوعی برود که کتاب‌هایی با این موضوعات در صدر لیست فروش قرار می‌گرفتند. در این گونه داستان‌های «تنگ‌نار» بوده که در واقع آثار و نگارش ادبیات پلیسی مدرن است. در کتاب‌های آوار مال‌ها که کسین مار اتفاقات غافلگیری خوبی برود و معماهای چینی به شکل کاملاً طبیعی گردگشایی می‌شدند. انار و فتنه نویسنده کتاب‌های معمولی - چینی بدون تردید عبارات «سرازم» «کانی دیوان» با مجموعه آثار «سرازم» «مولی» و «آقا کریمی» با مجموعه داستان‌های «سرازم» و سایر مان‌های چینی‌اش این نویسنده آثار پلیسی را برای مردم چینی خواننده و گریه شخصیت‌های سیاه‌پیکر و باغوشی که آن خالق کرده بر او بار طاهر مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی ظاهر شده‌اند و در کردار آثار از جای‌شان گامه نهاده است.

تولک سینمای چینی

انار سینما زانر چینی - پلیسی در دهه ۲۰ با دو فیلم «سرازم» کوچک و «دختر مردم» متولد شد و فیلم‌های «نار دهمی» «سرازم» «پلیسی دهی» «۵۰ مایه مجموعه‌های تلویزیونی» «صنایع کشور» این زانر سینمایی را نشان دادند. در دهه ۲۰ با پاساژ شدن فیلم «آقا کریمی» سینمای پلیسی زانر چینی به جاده‌ها و مدرن تر شد.

فیلم پلیسی جدی در سینمای ایران نداریم

تهمینه میلانی به عنوان یک اجتماعی‌ساز چنین نظری در خصوص سینمای چینی - پلیسی ما دارد: «تا کنون فیلم پلیسی جدی در سینما نداشته‌ایم؛ البته به تازگی تلاش‌هایی برای ساخت مجموعه‌های پلیسی می‌شود، اما وقتی فضای نقد وجود نداشته باشد چیزی رشد نمی‌کند. متأسفانه در سینمای ما باید تصویری مثبت از پلیس، نیروی انتظامی و ادارات دولتی نشان داده شود؛ اگر این فضا را بشکافیم می‌توانیم صاحب یک سینمای پلیسی خوب شویم، ولی تا زمانی که تصویر پلیس در فیلم‌ها استثنایی و بیگانه باشد و برای فیلمسازی فضای نقد وجود نداشته باشد چنین سینمایی شکل نمی‌گیرد و در سطح یک فضای تبلیغاتی باقی می‌ماند. متأسفانه اتفاقات پلیسی فیلم‌ها بسیار سطحی هستند، مثلاً شوخی‌هایی که بین پلیس‌ها رد و بدل می‌شود آن قدر نجسب و گاهی اوقات مسخره و لوده است که مخاطب را جذب نمی‌کند. مسئله‌ی دیگر مربوط به حضور خانم‌هاست که بخشی از آن به ممیزی برمی‌گردد؛ ما نمی‌توانیم تفاوت بین پوشش و ادبیات یک زن بزهکار و یک زن معمولی را نشان بدهیم، در حالی که تفاوت بسیاری بین این دو وجود دارد».

پلیس‌های فیلم‌های ما

مسعود فراسی منتقد سینما می‌گوید: «پلیس در فیلم‌های ما نه ضعف دارد نه اقتدار؛ فاسد و مشکل‌دار هم نیست. از دیگر مشکلات این است که کارآگاه خصوصی نداریم، در نتیجه بخش مهمی از سینمای پلیسی خود به خود از بین می‌رود. بدمن‌های ما هم بی‌ریشه‌اند. به اعتقاد هیچکاک فیلم به اندازه‌ی بدمن‌ها شخصیت، قدرت و هیجان می‌گیرد؛ هر چه بدمن‌ها قوی‌تر باشند، شخصیت‌های مثبت رشد یافته‌تر می‌شوند و امکان هم‌ذات‌پنداری و اثرگذاری آن‌ها هم بیشتر می‌شود» ■

«پای جوان» از آن پلیس‌های جنای آداب و انوکبیدی
 مایه نوبه شخصیتی که از در این قلم آله کرم مروری
 سرسخت خردس و بر طاق کرده که برای رسیدن به هدف
 هیچ سنی را در سر راهش تحمل نمی‌کند ذیالی سیاه و
 رخسار قلیلهای نور حلاطه فراقان بسیاری پیدا کرده بود
 و شامکارها یک به یک از راه می‌سپندند «هری کبکی»
 که «استرون» در آن نقش پلیسی تیربار بازی می‌کرد که
 با شیوه‌های غیر قانونی و خشکی خراسان اجرای قانون بود
 در «سریکو» و «شاهزادی شهر» از ماکتلهای «سینتی
 لومت» کیشی پلیس خونسرو و پانی اندامه یک پلیس‌هایی
 که اگر چه فاسد بودند اما در اربابی گری و خدمت چیزی
 کم از مجرم‌هایی که به دیانتان بودند نداشتند. فرجه‌ی جناب
 دیگر این پلیس‌های بله و رها از قید و بندهای انسی و
 لاری «داد ولایت» است؛ پلیس جسور و خشکی که خارج
 از قواعد معمول عمل می‌کند و مرفق می‌شود دسیسه‌های
 بدیاری و چابکارانی هم صفت‌های ردیابش را رو کند در
 «مخمس» اما به شکلی دیگر خاندان روزاری پلیس و مجرم
 تحت تفتیش هشتم «نوشته طاق» و «هل مک کالی»
 بهمانه در روی یک سکه که شورا و جده مایه فغان جایگاه
 اجتماعی است که در آن قرار گرفتند و این طرز به نظر
 می‌رسد که چنان هم از آن رانی هستند هر دو سرخورد
 و خستاده مچ‌های سرخسیمی که ناچار به اندامی بازی اند
 چرا که فزای روز روز از توان خصم گری خردشان آن‌ها
 را محسوس به اندامه طاق می‌کنند از دیگر پلیس‌های به یادمانی
 این گزندی سینتی می‌نویس به «کلرین استار لیک» و
 «ویلیام سارست» اشاره کرده از آن زنی جسور و بلندی است
 که برای حل پرونده‌ی دشوار بگسری قتل‌های زنجیری
 حتی از مشورت و مطالعه با دیگرانی چون «انجیل اکبر»
 کسب هم آایی نثار و سرانجام نیز با ساجد و تگوری
 به فزایی قابل رانی با یک خطای مثال او کار آگاه به قلم
 «هفت» «سارست» است که با بازتفتیشی فاضلی نثار
 و از ذیالی بلندی روزاری‌های جوانی فاصله گرفته ولی به حد
 تجربه و دانش در زمینه‌ی حل پرونده‌های خاص و سرو
 کار دانش با فغانی هر چند به مجرمی جناب برای جوش
 و گریه‌های محسوس در روند دیگری قتل‌های زنجیری
 تبدیل شده است در قلم «زویاک» هم اگر چه به شکل
 رسمی بود از آن قتل‌های زنجیری بود که می‌شود اما
 «ارث استیت» روزنامه‌نگار جوان - به یکی از سنج‌ترین
 و دیگرترین کار آنگاه این گروه قلم‌ها تبدیل شده و عشق
 است زورالیم را در حواجیه ارباق روز و وحشت درونی
 خاسته به تصویر می‌کشد.

شخصیت‌های قلم‌های پلیسی
 شخصیت‌های قلم‌های جنای - پلیسی آدم‌های باخوش و

زنگنه که زنگی مخاطب‌آمیز و بی‌جنگش آن‌ها را از پلیس
 یک زنگی مسرولی و گرفتارنده در روزی‌ها دور نگ
 می‌دارد به همین ذات سینتی پلیسی و نوع عملکرد و راکس
 شخصیت‌های این گروه قلم‌ها همواره مورد توجه مخاطب
 کنج‌ها بوده است. تفاوتگر این گروهی سینتی را حتی
 قلم‌نشان به نوعی مخاطب خاص نامید چرا که در قلم‌های
 سینتی در واقع به نوعی بین مخاطب و سازنده اثر هیچ کار
 صورت می‌گیرد در این نوعی جنایی که کارگردان کار را به دست
 او سوق می‌دهد و با آله‌ی هر سرق نازه و کشیدن رانی
 چند است به شکل و شمایل بازی و نوع فرجام داستانی‌اش
 کنج‌گزاران می‌کنند در رانی رسنالی مفری است برای
 نگ داشتن مخاطب و اول روز موقوف یک اثر سینتی از
 این حیث آثار سینتی - پلیسی با قلم‌های دیگر از ادعای
 راحت و سراسر قصه‌شان را تصرف می‌کند سینتی نثار
 علاوه بر این که قلم‌های جنایی - پلیسی مشتاق زبردست
 مسائل اجتماعی و سیاسی روز نیز هستند در قلم‌های طاق
 «فنگل» «جنایی» و «هر روی آله» بود از در و بندهای
 سیاسی و مناسب کتیب در جریان برداشته می‌شود.

مجموع سینتای ایران

اما مجموع سینتای ایران از این گروهی جناب و روزگار
 سینتای چهار است که حزب بسیار ساده و البته تأثیر بار است
 قلم‌های نویسنده در آن جنایی - پلیسی در طاقه با آثار کل
 قلم‌های ساخته شده بسیار ناچیز و نامحسوس جلوه می‌کنند و
 به‌عنوان که در همان تعداد اندک هم بدای قابل توجه و ماندگار
 برخی خوریم و چند حساب‌های خاص و گاهی خلق بود
 قلم‌هایی مناسب و پرداخته سطحی و گسسته بار باعث شده
 مخاطبان علاقمند به آن زانو همیشه در پی قلم‌های خوب
 کاری باشند. نتیجتاً این که اعتماد مخاطب به قلم‌های جنایی
 - پلیسی ایرانی از این رفته هم چنین پیش‌بینی ذهنی او
 از قلم‌های گزینی که دیده موجب می‌گردد همان تعداد
 انگشت شمار قلم‌های نویسی در این زانو نیز دیگر مورد
 استقبال قرار نگیرد. پلیس‌های این قلم‌ها آن‌ها را جناب و
 دوست‌دوستی نیست که نگران موقوف با عدم موقوفشان
 باشند. فراموش هم چنان سینتی را که به نظر می‌رسد
 حتی فغان و چابکاران هم رخسار و پانی به نظر می‌آید
 و سلطان‌ها کشش آن‌ها را برای جذب تماشاگر نثار همه
 چیز در این ذیالی بساخته به بازی کودکانی می‌زند که
 چگونگی فرخمش باخوش متوسط هم قابل پیش‌بینی است
 و خوب ترفیق برقی به نظر می‌رسد که از مخاطبی کمی نژاد
 باخوشی حتی که بر از سطح لیست سینتای سخی می‌وی
 بهترین قلم‌های روز جهان را در اختیار داشته باشد بخوانیم
 به دیدن مجموعه‌ی از آشنائات و بی‌سابقگی‌های سینتایی
 موجود در قلم‌های جنایی - پلیسی رانی برده.